

## رابطه بین هویت فردی، سبک‌های دلبستگی با بهزیستی روان‌شناختی در جوانان

دکتر سیف‌اله بهاری \*

چه‌گور فَرکیش \*\*

**چکیده:** پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه هویت فردی، سبک‌های دلبستگی با میزان بهزیستی روان‌شناختی جوانان دانشجوی شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد و همچنین میزان تأثیر محل اقامت بر هویت‌یابی و بهزیستی روان‌شناختی آنان انجام شده است. تعداد نمونه‌ها در این پژوهش ۱۲۰ نفر بوده است که ۴۳ نفر مرد و ۷۷ نفر زن بودند. ۹۶ نفر بومی و ۲۴ نفر غیر بومی با میانگین سنی ۲۲/۷۶ سال بودند. یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی تدوین شده است. در بخش استنباطی از آزمون تحلیل واریانس و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. برای سنجش هویت از پرسش‌نامه حالت هویت بنیون، آدامز و برای سبک‌های دلبستگی از پرسش‌نامه دلبستگی هازن و شاور و برای بهزیستی روان‌شناختی از پرسش‌نامه بهزیستی روان‌شناختی ریف استفاده شد. نتایج رگرسیون حاکی از آن است که ابعاد چهارگانه هویت، سبک دلبستگی، جنسیت و محل اقامت روی هم ۰/۴۱ واریانس نمره کل بهزیستی روان‌شناختی جوانان را تبیین می‌کند که از بین آنها محل اقامت و هویت آشفته اثر پیش‌بینی‌کنندگی معنی‌داری روی نمره کل بهزیستی روان‌شناختی جوانان دارند.

**واژه‌های کلیدی:** ابعاد هویت، سبک‌های دلبستگی، بهزیستی روان‌شناختی، محل اقامت، جنسیت

### مقدمه

یکی از مفاهیم اصلی مدل سلامت، بهزیستی است. اصولاً از دیرباز دو رویکرد اصلی در تعریف بهزیستی وجود داشته است. رویکرد مبتنی بر لذت‌گرایی که معتقد است بهزیستی به معنی به حداکثر رساندن لذت و به حداقل رساندن درد است. این رویکرد در طول تاریخ حامیان خاص خود را داشته است که از آن جمله می‌توان اپیکور، هابز و استوارت میل را نام برد. رویکرد دوم

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

\*\* کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن farkish.chegor@yahoo.com

مبتنی بر فضیلت‌گرایی ارسطو است. براساس این رویکرد رضای امیال، به رغم ایجاد لذت در ما، همیشه منتهی به بهزیستی نمی‌گردد، بلکه بهزیستی در برگیرنده تلاش برای کمال و تحقق پتانسیل‌های واقعی فرد است که ممکن است همواره توأم با احساس لذت نباشد (ریان و دسی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

محققان مختلف با اتخاذ هر یک از این رویکردها، مفهوم‌پردازی‌های متفاوتی از بهزیستی ارائه داده‌اند. پیروان لذت‌گرایی، «بهزیستی هیجانی» را مطرح ساخته‌اند که آن را برابر حضور عواطف مثبت (مانند شادی)، غیاب عواطف منفی (مانند ناامیدی) و رضایتمندی از زندگی می‌دانند (کیز، ۲۰۰۲).

پیروان فضیلت‌گرایی نیز دو نوع بهزیستی روان‌شناختی (ریف<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹) و بهزیستی اجتماعی (کیز، ۲۰۰۲) را مطرح کرده‌اند. مدل سلامت، این سه نوع بهزیستی را باهم ترکیب کرده و مفهوم جامع و کاملی از بهزیستی را به وجود آورده است که هم جنبه عاطفی (بهزیستی هیجانی) و هم جنبه کارکردی (بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی) سلامت روانی را در بر می‌گیرد.

بهزیستی روان‌شناختی به معنای قابلیت یافتن تمام استعداد‌های فرد است و ۶ مؤلفه را در بر می‌گیرد: خودمختاری (احساس شایستگی و توانایی در مدیریت محیط پیرامون فرد، انتخاب یا ایجاد روابط شخصی مناسب)، رشد شخصی (داشتن احساس رشد مداوم، پذیرا بودن تجربه‌های جدید، احساس کارآمدی)، روابط مثبت با دیگران (داشتن روابط گرم، رضایت‌بخش و توأم با اطمینان، توانایی همدلی، صمیمیت و مهربانی)، هدفمندی در زندگی (داشتن هدف در زندگی، فرد احساس کند زندگی گذشته‌اش معنایی دارد) و پذیرش خود (داشتن نگرش مثبت نسبت به خود، پذیرفتن جنبه‌های مختلف خود، داشتن احساس مثبت نسبت به زندگی گذشته خود).

بهزیستی اجتماعی روی تکالیف اجتماعی که بشر در دل ساختارهای اجتماعی و اجتماعات خود با آن مواجه است تمرکز دارد. بهزیستی اجتماعی نیز دارای ۵ مؤلفه است: یکپارچگی اجتماعی (احساس تعلق نسبت به جامعه، احساس داشتن مشترکاتی با جامعه خود)، پذیرش اجتماعی (درک فرد از خصوصیات و صفات افراد جامعه به‌عنوان یک کلیت و پذیرش این کلیت، دید مثبت نسبت به افراد جامعه)، مشارکت اجتماعی (ارزشمند دانستن اجتماع خود، خود را عضو مهمی از جامعه دانستن، داشتن احساس توانایی ارائه چیزهای ارزشمند به جامعه)، شکوفایی اجتماعی (داشتن این احساس که جامعه دائماً در حال تحول و پیشرفت است و پتانسیل‌های جامعه

1- Ryan & Deci

2- Ryff

توسط شهروندان و نهادهای اجتماعی به فعل تبدیل می‌شود) و درک‌پذیری اجتماع (توانایی فهم کیفیت، ساختار و طرز کار اجتماع، علاقه‌مندی به شناختن دنیا و اجتماع خود).

بهزیستی روان‌شناختی در جنبه‌های مختلف زندگی افراد همچون پذیرش‌های اجتماعی، داشتن روابط با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی، برخورداری از جایگاه‌های اجتماع، به‌خصوص در دوران جوانی سهم بسزایی دارد زیرا افراد پس از طی دوران نوجوانی و رسیدن به جوانی در پی ورود به اجتماع و ایجاد روابط و گسترش ارتباطات خویش‌اند.

دوران جوانی به معنای عام مرحله گذار از کودکی به میانسالی است و به دوره‌ی نوجوانی و جوانی به معنای خاص تقسیم می‌شود. روان‌شناسان مکتب انسان‌گرا (یا مکتب سیر زندگی) این مرحله از زندگی را مرحله گسترش خلاق، می‌نامند که "وظیفه تکوینی" اصلی آن (به مفهومی که هویگهورست تعریف می‌کند) جستجوی هویت مستقل و استقلال‌یابی است.

دوران جوانی به معنای عام را به تعبیری می‌توان دورانی دانست که با شروع بلوغ جسمانی آغاز می‌شود. معمولاً با تثبیت پایگاه اجتماعی فرد در خانواده تولید مثل و شغل اصلی خاتمه می‌یابد. جوان در این دوران کسب هویت می‌کند. هویت به مفهومی که در اینجا به کار می‌رود عبارت است از تعریفی که شخص از وجود خود می‌کند و به کمک آن به سؤال‌هایی از قبیل "چیستم؟" و "چه می‌خواهم؟" پاسخ می‌دهد و از طریق آن به ابعاد شخصیت خود یکپارچگی و انسجام نسبی می‌بخشد و در زمان و مکان و جامعه و از نظر روانی و رفتاری، موضع‌یابی و جهت‌یابی می‌کند. بنابراین هویت بدین مفهوم پدیده‌ای چند لایه است و از "تصویر خود" به معنای اخص فراتر می‌رود و موضع‌یابی و جهت‌یابی بیوگرافیک و حتی تاریخی را نیز در بر می‌گیرد. هویت دارای عوامل و مراحل چند لایه و پویای فطری و اکتسابی و عوامل تحقق‌بخش است.

در دوران جوانی طولانی شده عصر حاضر پایگاه اجتماعی فرد مبهم و وضعیت او از نظر زیستی، روانی و اجتماعی کم و بیش بالقوه بحران‌زا و پر تلاطم است در جوامع در حال توسعه که آنها را جوامع در حال گذار نیز می‌نامند عوامل بحران‌زای دیگری نیز بر دوران گذار جوانی طولانی شده تأثیر می‌گذارند. از طرف دیگر جوانان یکی از سرمایه‌های بنیادی جوامع امروز و پایه اصلی توسعه و پیشرفت در هر کشوری محسوب می‌شوند و هر گونه توجه به کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آگاهی از تمامی مشکلاتی که بر سر راه آنان قرار دارد سایر پژوهشگران را بر آن داشته تا راه حل‌های مناسب را به‌منظور حل مشکلات این افراد جستجو کنند و با تحقیقات دقیق و پیگیر به

آنها کمک نمایند تا در راه تعالی خود قدم‌های استوار بردارند. در این پژوهش نیز سعی شده است به یک ردیف از سؤالاتی که در مورد هویت، سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روان‌شناختی جوانان وجود دارد پاسخ داده شود. امید است یافته‌ها و نتایج این پژوهش بتواند گام اساسی در جهت شناخت بهتر و علمی‌تر جوانان بردارد و مقدمات و زمینه‌ی مناسب را برای تحقیقات وسیع‌تر و برنامه‌ریزی‌های مناسب و اساسی برای پیشرفت این افراد فراهم سازد.

یکی از تکالیف عمده‌ی نوجوانان و جوانان در جامعه، یافتن پاسخ‌های علمی به این سؤال است که (من کیستم؟) نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت خود در آنان قوی است، خود را افرادی مجزا و متمایز از دیگران می‌دانند. کلمه‌ی فرد که معادل کلمه شخص است، نشانگر نیازی است همگانی به درک خود به‌عنوان کسی که به‌رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران از آنها جداست. نیاز به ثبات رأی و حسن یکپارچگی نیز ارتباط نزدیکی با آن نیاز همگانی به درک خود را دارد. وقتی از یکپارچگی خود سخن گفته می‌شود مقصود جدایی از دیگران است و در عین حال یگانگی خود، یعنی انسجام عملی نیازها، انگیزه‌ها و الگوهای واکنش شخص. نوجوان یا بزرگسال برای این که احساس هویت داشته باشد باید در طول زمان در خود تداومی ببیند (ماسن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰).

بررسی تحقیقات نشانگر آن است که افراد به کمک هویت است که به تدوینی از خویشتن می‌رسند که اگر این تعریف با واقعیت اجتماعی آنها در تعارض باشد حالت‌هایی مثل عدم پختگی، فشار روانی، مشکلات رفتاری و تحصیلی و غیره را تجربه می‌کنند. وجود این رفتارها در سال‌های پایانی نوجوانی و اوایل جوانی از نظر بسیاری از روان‌شناسان، نشان‌دهنده تلاش طبیعی افراد به‌منظور پیدا کردن یک تعریف از خود و به‌عبارت دیگر هویت‌یابی می‌باشد. یکی از روان‌شناسان که به‌صورتی وسیع و بنیادی به موضوع هویت پرداخته است اریکسون (۱۹۶۸) می‌باشد.

با توجه به نتیجه‌ی تحقیقات و ارزیابی‌های مختلف از حالات‌انه هویت می‌توان نتیجه گرفت، افرادی که دارای هویت بالا هستند، یعنی هویت پیشرفت و به تعویق افتاده، بیشتر بر ارزیابی متمرکز بر درون خود متکی هستند و به‌طور کلی به‌صورت عقلانی و واقعی به شناسایی موقعیت‌های استرس‌آور محیط می‌پردازند. افراد متعلق به حالات هویت بالا، در استدلال و تعقل نسبت به افرادی با حالات هویت پایین (هویت زود هنگام و آشفته) پیشرفته‌تر هستند. این افراد از

---

1- Mussen, D. M.

لحاظ روانی وضعیت خوبی داشته و سازگاری روانی سالمی دارند. از لحاظ کنار آمدن با مسائل به نحو مناسب عمل نموده، کارآمدی مشخص بالایی نشان می‌دهند و میزان اضطراب پایینی دارند (اسپرنتیال<sup>۱</sup> و واترمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲).

نتایج تحقیقات مختلف نشانگر رابطه هویت با بهزیستی روان‌شناختی و متفاوت بودن آن در بین جوانان است و نیز بیانگر رابطه متغیرهای مختلف دیگری نظیر سبک‌های دلبستگی والدین و طرز رفتار آنها با فرزندان خویش (برای مثال برساد<sup>۳</sup>، ۱۹۸۱؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۴)، ترتیب تولد (برای مثال تومان<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳) و « است. همچنین پاره‌ای از تحقیقات نیز رابطه سطح بهزیستی روان‌شناختی، سبک‌های دلبستگی و رابطه سبک‌های دلبستگی با هویت را نشان داده است.

حال با توجه به مطالب فوق، هدف پژوهش حاضر این است که به مطالعه رابطه هویت فردی و سبک‌های دلبستگی با بهزیستی روان‌شناختی جوانان بپردازد.

## روش

### جامعه‌ی آماری، نمونه و روش انتخاب نمونه

جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان پسر و دختر دوره‌های کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ و به تعداد ۱۷۵۹ نفر است. نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر ۱۲۰ نفر است که بر اساس فرمول نمونه‌گیری پیشنهادی کوهن و همکاران (۲۰۰۱) محاسبه گردید.

### ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد متغیرها پس از بررسی ادبیات پژوهش و بررسی انواع تست‌ها در این مورد ابزارهای زیر انتخاب شده‌اند: پرسش‌نامه سنجش حالات هویت بنیون-آدامز: که بر اساس نظریه اریکسون و مارسیا در مورد هویت، تدوین شده است. این پرسش‌نامه از ۶۴ عنوان تشکیل شده و شامل چهار خرده

1- Sprinthall  
3- Bersad

2- Watterman  
4- Toman

مقیاس می‌باشد. ۱- خرده مقیاس هویت آشفته ۲- خرده مقیاس هویت زود شکل گرفته. ۳- خرده مقیاس هویت تعلیق ۴- خرده مقیاس هویت پیشرفت. هر خرده مقیاس شامل ۱۶ عنوان می‌باشد. پرسش‌نامه سنجش حالات هویت بنیون-آدامز برای سنجش حالات هویت افرادی که در محدوده سنی ۱۴ تا ۵۶ سال قرار دارند، مناسب است. ولی دامنه سنی مطلوب برای استفاده از این پرسش‌نامه، ۱۵ تا ۳۰ سالگی است. شیوه اجرای این پرسش‌نامه به صورت گروهی می‌باشد (آقاسلطان، ۱۳۷۸). این پرسش‌نامه توسط محققان زیادی از جمله بنیون و آدامز (۱۹۹۸) و آقاسلطان (۱۳۷۸) به کار برده شده است و قابلیت اعتماد و روایی نسبتاً بالایی را نشان داده است. آقاسلطان (۱۳۷۸) در پژوهش خود ضرایب پایایی محاسبه شده به روش آلفای کرونباخ را به شرح زیر گزارش داده است:

خرده مقیاس هویت آشفته ۰/۶۵، هویت زود شکل گرفته ۰/۷۶، هویت تعلیق ۰/۷۶ و هویت پیشرفت ۰/۷۶.

ضرایب پایایی محاسبه شده به روش توصیف نیز به شرح زیر است:

خرده مقیاس هویت آشفته ۰/۷۲، هویت زود شکل گرفته ۰/۸۶، هویت تعلیق ۰/۶۷ و هویت پیشرفت ۰/۷۶.

ب) پرسش‌نامه دل‌بستگی هازن و شیور

در این پژوهش به منظور بررسی سبک دل‌بستگی دانشجویان از مقیاس خود گزارش‌دهی هازن و شیور استفاده شد. این مقیاس همچون فرم اولیه ۳ عنوان کلی دارد که هر عنوان ویژگی‌های یکی از سبک‌ها را توصیف می‌کند. از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود با مطالعه ۳ عنوان این مقیاس موردی را که ویژگی‌های آن را به خصایص خود نزدیک‌تر می‌بیند مشخص کنند. به این ترتیب سبک دل‌بستگی افراد معین می‌شود. سه سبک اندازه‌گیری شده در این مقیاس عبارتند از سبک دل‌بسته ایمن، دو سو گرا و اجتنابی (به نقل از فنی<sup>۱</sup> و نولر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). محققانی که از این مقیاس در تحقیقات خود استفاده کرده‌اند کارایی آن را در تعیین سبک دل‌بستگی افراد تأیید کرده‌اند (همان منبع). مطابق یافته‌ها تفاوت بین دو اجرای توصیف‌های ۱-۲-۳ معنادار نیست و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است. از سوی دیگر میزان آلفای کرونباخ در مورد اجرای این پرسش‌نامه روی ۱۰۰ نفر مورد بررسی برای دستیابی به قابلیت اعتماد بر ۰/۷۸۹۸ بوده است.

ج) پرسش‌نامه سنجش بهزیستی روان‌شناختی ریف:

مطابق نظریه ریف (۱۹۹۵)، آزمون بهزیستی روان‌شناختی شامل شش بعد اساسی است. خود مختاری، چیرگی بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی و پذیرش خود. برای هر یک از شش خرده‌مقیاس ۹ سؤال یا عبارت به کار رفته است. ریف و کیز (۱۹۹۵) ضریب پایایی این آزمون را روی یک نمونه ۳۲۱ نفری از آزمودنی‌های زن و مرد سالم، مرفه، تحصیل کرده و اجتماعی بررسی کرده‌اند. در این مطالعه برای هر یک از شش خرده‌مقیاس ۹ سؤال یا عبارت به کار رفته است که تعداد سؤالات منفی و مثبت آن تقریباً برابر است.

نتایج پژوهش نشان داد که ضریب پایایی درونی این مقیاس در حد بالایی است (بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۳). بعد از شش هفته مجدداً مقیاس روی یک نمونه کوچک از همان آزمودنی‌ها اجرا شد که ضریب پایایی بازآزمایی بالایی را نشان داد (بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۸).

### یافته‌ها

جدول ۱: توزیع فراوانی محل اقامت

محل اقامت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
بومی	۹۶	٪۸۰
غیر بومی	۲۴	٪۲۰
کل	۱۲۰	٪۱۰۰

نتایج جدول ۱ برای بررسی توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب محل اقامت آزمودنی‌ها حاکی از آن است که از بین ۱۲۰ نفر گروه نمونه دانشجوی کارشناسی ۹۶ نفر بومی (۸۰٪ درصد) و ۲۴ نفر (۲۰٪ درصد) غیر بومی بودند.

جدول ۲: توزیع فراوانی سن

میانگین	۲۲/۷۶۶۷	واریانس	۶/۶۵۱
میان	۲۳/۰۰۰۰ <td>دامنه تغییرات</td> <td>۱۰/۰۰</td>	دامنه تغییرات	۱۰/۰۰
مُد	۲۰/۰۰	حداقل نمره	۱۸/۰۰
انحراف استاندارد	۲/۵۷۸۹۵	حداکثر نمره	۲۸/۰۰

نتایج جدول ۲ بررسی توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب سن آزمودنی‌ها حاکی از آن است که از بین ۱۲۰ نفر گروه نمونه دانشجوی کارشناسی حداقل سن شرکت‌کنندگان ۱۸ و حداکثر

سن آنها ۲۸ سال بود و میانگین سنی گروه شرکت کنندگان ۲۲/۷۶ با انحراف معیار ۲/۵۷ و دامنه تغییرات ۱۰ سال بود.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی خود مختاری، چیرگی محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی، پذیرش خود و نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به تفکیک جنسیت

جنسیت	آماره	خود مختاری	چیرگی محیط	رشد شخصی	روابط مثبت	هدف در زندگی	پذیرش خود	نمره کل بهزیستی روان‌شناختی
مرد	حجم نمونه	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
	میانه	۲۳/۰۰۰۰	۲۴/۰۰۰۰	۲۱/۰۰۰۰	۲۳/۰۰۰۰	۲۱/۰۰۰۰	۲۲/۰۰۰۰	۱۳۳/۰۰۰۰
	حداقل نمره	۱۱/۰۰	۱۱/۰۰	۱۱/۰۰	۱۱/۰۰	۹/۰۰	۱۳/۰۰	۷۹/۰۰
	حداکثر نمره	۳۲/۰۰	۳۶/۰۰	۳۳/۰۰	۳۸/۰۰	۳۴/۰۰	۳۳/۰۰	۱۸۱/۰۰
	میانگین	۲۳/۰۲۳۳	۲۳/۸۶۰۵	۲۰/۶۷۴۴	۲۲/۷۴۴۲	۲۱/۰۹۳۰	۲۲/۸۱۴۰	۱۳۴/۲۰۹۳
	انحراف استاندارد	۴/۸۹۱۶۳	۵/۵۰۱۴۳	۴/۵۰۲۴۹	۵/۴۸۶۳۲	۵/۶۳۰۷۶	۴/۱۸۷۶۰	۲۰/۵۴۰۹۷
	خطای استاندارد	۰/۷۴۵۹۷	۰/۸۳۸۹۶	۰/۶۸۶۶۲	۰/۸۳۶۶۶	۰/۸۵۸۶۸	۰/۶۳۸۶۰	۳/۱۳۲۴۷
	دامنه تغییرات	۲۱/۰۰	۲۵/۰۰	۲۲/۰۰	۲۷/۰۰	۲۵/۰۰	۲۰/۰۰	۱۰۲/۰۰
	واریانس	۲۳/۹۲۸	۳۰/۲۶۶	۲۰/۲۷۲	۳۰/۱۰۰	۳۱/۷۰۵	۲۳/۵۳۶	۴۲۱/۹۳۱
	کشیدگی	۰/۰۳۴	۰/۱۷۷	۰/۵۱۵	۰/۸۴۸	-۰/۱۳۲	۰/۲۳۹	۰/۴۱۰
زن	حجم نمونه	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷
	میانه	۲۴/۰۰۰۰	۲۴/۰۰۰۰	۲۱/۰۰۰۰	۲۳/۰۰۰۰	۲۱/۰۰۰۰	۲۳/۰۰۰۰	۱۳۷/۰۰۰۰
	حداقل نمره	۱۱/۰۰	۱۴/۰۰	۹/۰۰	۱۰/۰۰	۹/۰۰	۱۲/۰۰	۹۱/۰۰
	حداکثر نمره	۳۴/۰۰	۳۲/۰۰	۳۲/۰۰	۳۵/۰۰	۳۴/۰۰	۳۷/۰۰	۱۸۲/۰۰
	میانگین	۲۳/۷۶۶۲	۲۴/۳۳۷۷	۲۰/۶۶۲۳	۲۲/۵۱۹۵	۲۰/۹۸۷۰	۲۲/۳۷۶۶	۱۳۴/۶۴۹۴
	انحراف استاندارد	۴/۸۲۰۱۸	۴/۶۷۵۲۷	۴/۹۷۲۵۸	۵/۹۵۵۱۲	۵/۰۷۱۴۸	۴/۸۵۳۲۱	۲۰/۲۴۵۰۶
	خطای استاندارد	۰/۵۴۹۳۱	۰/۵۳۲۸۰	۰/۵۶۶۶۸	۰/۶۷۸۶۵	۰/۵۱۷۹۹	۰/۵۵۳۰۷	۲/۳۰۷۱۴
	دامنه تغییرات	۲۳/۰۰	۱۸/۰۰	۲۳/۰۰	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰	۹۱/۰۰
	واریانس	۲۳/۲۳۴	۲۱/۸۵۸	۲۴/۷۲۷	۳۵/۴۳۶	۲۵/۷۲۴	۲۳/۵۵۴	۴۰۹/۸۶۲
	کشیدگی	-۰/۱۳۶	-۰/۹۶۲	-۰/۳۰۵	-۰/۷۱۲	-۰/۰۳۳	۰/۲۸۴	۰/۳۳۳

میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه تغییرات، حداقل و حداکثر نمره توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب بهزیستی روان‌شناختی در گروه دانشجویان مرد حاکی از آن است



که میانگین (انحراف معیار) دانشجویان مرد در خرده مقیاس‌های خودمختاری، چیرگی محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی، پذیرش خود و نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب عبارت است از  $23/02(4/89)$ ،  $23/86(5/50)$ ،  $20/67(4/50)$ ،  $22/74(5/48)$ ،  $21/09(5/63)$  و  $22/81(4/18)$  و دانشجویان زن در خرده مقیاس‌های خودمختاری، چیرگی محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی، پذیرش خود و نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب عبارت است از  $23/76(4/82)$ ،  $24/33(4/67)$ ،  $20/66(4/97)$ ،  $22/51(5/95)$ ،  $20/98(5/07)$  و  $22/37(4/85)$  و  $134/64(20/24)$ .

جدول ۴: آماره‌های توصیفی خودمختاری، چیرگی محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی، پذیرش خود و نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به تفکیک محل اقامت

نمره کل بهزیستی روان‌شناختی	پذیرش خود	هدف در زندگی	روابط مثبت	رشد شخصی	چیرگی محیط	خودمختاری	آماره	محل اقامت
۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	حجم نمونه	
۱۳۱/۵۰۰	۲۲/۰۰۰	۲۰/۵۰۰	۲۲/۰۰۰	۲۰/۵۰۰	۲۴/۰۰۰	۲۳/۰۰۰	میان	
۷۹/۰۰	۱۲/۰۰	۹/۰۰	۱۰/۰۰	۹/۰۰	۱۱/۰۰	۱۱/۰۰	حداقل نمره	
۱۸۲/۰۰	۳۷/۰۰	۳۴/۰۰	۳۸/۰۰	۳۰/۰۰	۳۶/۰۰	۳۴/۰۰	حداکثر نمره	
۱۳۲/۲۹۱۷	۲۲/۰۸۳۳	۲۰/۸۱۲۵	۲۲/۳۱۲۵	۲۰/۱۷۷۱	۲۳/۶۰۴۲	۲۳/۳۰۲۱	میانگین	
۲۰/۱۱۵۴۱	۴/۴۰۰۱۶	۵/۳۳۱۷۶	۵/۹۵۸۳۰	۴/۵۸۱۴۲	۴/۶۱۴۵۷	۴/۲۰۳۰۶	انحراف استاندارد	بومی
۲۰/۵۳۰۲	۰/۴۴۹۰۹	۰/۵۴۴۱۷	۰/۶۰۸۱۲	۰/۴۶۷۵۹	۰/۴۷۰۹۷	۰/۴۲۸۹۷	خطای استاندارد میانگین	
۱۰۳/۰۰	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰	۲۸/۰۰	۲۱/۰۰	۲۵/۰۰	۲۳/۰۰	دامنه تغییرات	
۴۰۴/۶۳۰	۱۹/۳۶۱	۲۸/۴۲۸	۳۵/۵۰۱	۲۰/۹۸۹	۲۱/۲۹۴	۱۷/۶۶۶	واریانس	
۰/۰۶۲	۰/۷۸۸	-۰/۰۰۱	-۰/۲۵۹	-۰/۳۷۶	-۰/۱۱۴	۰/۴۷۴	کشی‌دگی	
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	حجم نمونه	
۱۴۵/۵۰۰	۲۳/۵۰۰	۲۲/۰۰۰	۲۵/۰۰۰	۲۱/۵۰۰	۲۷/۰۰۰	۲۷/۵۰۰	میان	
۹۲/۰۰	۱۵/۰۰	۱۱/۰۰	۱۴/۰۰	۱۳/۰۰	۱۴/۰۰	۱۱/۰۰	حداقل نمره	
۱۷۰/۰۰	۳۳/۰۰	۳۱/۰۰	۳۳/۰۰	۳۳/۰۰	۳۵/۰۰	۳۲/۰۰	حداکثر نمره	
۱۴۳/۲۹۱۷	۲۳/۳۳۳۳	۲۱/۸۷۵۰	۲۳/۷۵۰۰	۲۲/۶۲۵۰	۲۶/۴۱۶۷	۲۴/۲۹۱۷	میانگین	غیر
۱۸/۸۸۱۳۰	۵/۰۸۷۶۴	۴/۹۵۴۶۹	۴/۸۸۳۴۲	۵/۱۹۸۷۷	-۵/۷۶۲۸۲	-۶/۸۸۰۸۴	انحراف استاندارد	بومی
۳/۸۳۳۷۲	۱/۰۳۸۵۱	۱/۰۱۱۳۷	۰/۹۹۶۸۲	۱/۰۶۱۱۹	۱/۱۷۶۳۳	۱/۴۰۵۵	خطای استاندارد میانگین	
۷۸/۰۰	۱۸/۰۰	۲۰/۰۰	۱۹/۰۰	۲۰/۰۰	۲۱/۰۰	۲۱/۰۰	دامنه تغییرات	
۳۵۲/۷۳۷	۲۵/۸۸۴	۲۴/۵۴۹	۲۳/۸۴۸	۲۷/۰۲۷	۳۳/۲۱۰	۴۷/۳۴۶	واریانس	
۰/۹۵۹	-۰/۶۵۲	-۰/۱۳۸	-۰/۱۹۶	-۰/۲۸۶	-۰/۶۵۲	-۱/۱۱۲	کشی‌دگی	

نتایج جدول ۴ به منظور بررسی ویژگی‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، خطای استاندارد میانگین، میان، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه تغییرات، حداقل و حداکثر نمره توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب بهزیستی روان‌شناختی در گروه دانشجویان بومی حاکی از آن است که میانگین (انحراف معیار) دانشجویان بومی در خرده مقیاس‌های خود مختاری، چیرگی محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی، پذیرش خود و نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب عبارت است از:  $23/30(4/20)$ ،  $23/60(4/61)$ ،  $20/17(4/58)$ ،  $22/31(5/95)$ ،  $20/81(5/33)$ ،  $22/08(4/40)$  و  $132/29(20/11)$  و دانشجویان غیربومی در خرده مقیاس‌های خود مختاری، چیرگی محیط، رشد شخصی، روابط مثبت، هدف در زندگی، پذیرش خود و نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب عبارت است از:  $24/29(6/88)$ ،  $26/41(5/76)$ ،  $22/62(5/19)$ ،  $23/75(4/88)$ ،  $21/87(4/95)$ ،  $24/33(5/08)$  و  $143/29(18/78)$ .

جدول ۵: بررسی اثر پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد چهارگانه هویت فردی، سبک‌های دلبستگی، جنسیت و محل اقامت روی نمره کل بهزیستی روان‌شناختی

آماره		ضرایب		ضریب استاندارد		ضریب تبیین		بررسی معناداری مدل		متغیر پیش‌بین		
		غیراستاندارد										
سطح معنی داری	F	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع متغیر	R <sup>2</sup>	R	سطح معنی داری	t	Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۱	۸/۵۲	۹	۲۰۰۶۹/۲۸	رگرسیون	۰/۴۱	۰/۶۴	۰/۰۰۱	۱۰/۳۵	-	۱۶/۷۷	۱۷۳/۷۱	مقدار ثابت
		۱۱۰	۲۸۸۰۶/۷۱	باقیمانده			۰/۷۶	-۰/۳۱	-۰/۰۲	۳/۲۱	-۰/۹۸	جنس
							۰/۰۱	۲/۹۵	۰/۲۲	۳/۷۶	۱۱/۱۳	محل اقامت
		۱۱۹	۴۸۸۷۵/۹۹	کل			۰/۲۹	۱/۰۵	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۱۹	هویت
												پیشرفته
							۰/۹۳	-۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۱۹	-۰/۰۲	هویت تعلیق
							۰/۷۸	۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۰۳	هویت
												زودرس
							۰/۰۱	-۴/۵۰	-۰/۵۳	۰/۲۰	-۰/۹۱	هویت
												آشفته
							۰/۰۹	-۱/۶۹	-۰/۱۴	۰/۷۷	-۱/۳۱	دلبستگی
												ایمن
							۰/۷۳	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۷۲	۰/۲۵	اجتنابی
							۰/۱۵	۰/۴۴	۰/۱۲	۰/۶۳	۰/۹۱	دوسوگرا

نتایج رگرسیون در جدول ۵ حاکی از آن است که ابعاد چهارگانه هویت فردی (هویت تعلیق، هویت پیشرفته، هویت زودرس و هویت آشفته)، سبک‌های دلبستگی (ایمن، نایمن اجتنابی و دوسوگرا)، جنسیت و محل اقامت روی هم ۴۱ درصد واریانس روی نمره کل بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل واریانس برای بررسی معنی‌دار بودن مدل پیش‌بینی‌کننده‌ی نمره کل بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین اثر پیش‌بینی‌کنندگی معنی‌داری در مدل دارند ( $F(9, 110) = 4/61, p < 0/05$ ). از بین متغیرهای پیش‌بین، محل اقامت ( $B = 11/13, t = 2/95, p < 0/05$ ) و هویت آشفته ( $t = 4/50, p < 0/05$ )، اثر پیش‌بینی‌کنندگی معنی‌داری روی نمره کل بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در تبیین نتیجه این پژوهش می‌توان گفت که خوشبختی و خوشی از طریق رویارویی و مواجهه با چالش‌های زندگی، مشکلات و نیازها به دست می‌آید نه از طریق تفریح کردن و عدم داشتن هر گونه کشمکش و تعارض و نه با داشتن یک زندگی یکنواخت و بدون تغییر و پستی و بلندی، در حقیقت بهزیستی انسان در گرو تعامل و همراهی مقولات متضاد مثل درد و لذت، بلندپروازی و امیدواری در مقابل رنج و ناامیدی است. در این میان همان‌گونه که از نتایج این پژوهش به دست آمده محل زندگی خود دارای رابطه مثبت معنادار بالایی با میزان احساس بهزیستی است زیرا احساس تعلق به محیط و توانایی اداره زندگی در محیط بر احساس بهزیستی تأثیرگذار است. کریستوفر<sup>۱</sup> (۱۹۹۱؛ به نقل از واترمن، ۱۹۹۲) معتقد است که تعاریف مربوط به بهزیستی ذاتاً به فرهنگ جوامع بستگی دارند. علاوه بر این برای سنجش بهزیستی مقیاسی وجود ندارد که تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه قرار نداشته باشد. اویشی<sup>۲</sup> و همکارانش (۱۹۹۹) بر اساس تئوری نیازهای مزلو<sup>۳</sup> به آزمون فرضیه‌ها پرداخته و متوجه شدند که در کشورهای فقیر افرادی که از وضعیت اقتصادی خود راضی‌اند به احتمال زیاد رضامندی کلی بیشتری در زندگی دارند. بر اساس نظریه لیوی و همکاران (۱۹۹۵، به نقل از ریان، ۲۰۰۱) آن چه بیش از همه اهمیت دارد احساس تعلق است به گونه‌ای که آن را به عنوان یک نیاز اساسی و لازمه اصلی بهزیستی در نظر گرفته است.

1- Christofer

2- Oishi & etal

3- Maslow

4- Ryan

همچنین هویت آشفته دارای رابطه منفی معناداری با احساس بهزیستی است از آنجا که در هویت آشفته فقدان یک دیدگاه و نقطه نظر منسجم از خود و عدم ارزیابی و بررسی وسیع و همه جانبه از خویشتن وجود دارد در واقع به‌عنوان یک عقب‌نشینی کلی از زندگی مورد توجه قرار گرفته است (میوس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ هریس و گیبرت<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴؛ برزنسکی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). در نتیجه احساس بهزیستی در آنان کمتر است همان‌گونه که از نتیجه این پژوهش به‌دست آمد.

### منابع فارسی

- احمدی، ش. (۱۳۸۰). بررسی رابطه کیفیت دلبستگی کودک  $\pm$  مادر با تحول مهارت‌های اجتماعی و نوع مقابله با تنیدگی در کودکان پیش دبستان، گزارش تحقیق. سازمان آموزش و پرورش استان قم.
- آقاجانی حسین آبادی، م. ح. (۱۳۸۵). مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بر اساس جنسیت و وضعیت تأهل و رشته تحصیلی، مجموعه مقالات سومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، خرداد ماه ۱۳۸۵.
- آقا سلطانی، س. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین هویت و خلاقیت در میان دانشجویان سال اول دانشگاه تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- آقا محمدیان، ح. ر. و حسینی، س. م. (۱۳۸۴). روان‌شناسی بلوغ و نوجوانی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- اریکسون، ر. و همکاران. (۱۳۸۳). زمینه روان‌شناسی هیلگارد (جلد اول). ترجمه‌ی: محمد تقی براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
- اکبرزاده، ن. (۱۳۷۶). گذر از نوجوانی به پیری (روان‌شناسی رشد و تحول). تهران: مؤلف.
- الطافی، ع. (۱۳۷۸). هویت قومی در ایران. تهران: نشر شادگان.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۰). بررسی سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی. مجله روان‌شناسی ۱۹، سال پنجم، شماره ۱۳۸۰.
- برک، ل. ا. (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد (جلد دوم). ترجمه‌ی: یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران.

1- Meuse  
3- Berzonsky

2- Harris;Gibret

- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. نشریه پژوهشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سبحانی جو، ح. (۱۳۸۳). نسل جوان، بحران هویت و راه‌های پیشگیری از آن. نشریه پیوند. شماره ۳۰۵.
- کوهن، ل. و هالیدی، م. (۱۳۷۲). آمار در علوم تربیتی و تربیت بدنی. ترجمه: علی دلاور. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ماسن، پ. ه؛ کیگان، ج؛ هوستون آتا، ک. و کانجر، ا. ج. (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه‌ی: مهشید یاسائی. تهران: کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.
- مظاهری، م. ع. (۱۳۷۷). الگوهای دلبستگی نوزادان ایرانی. مجله روان‌شناسی ۸ سال دوم، شماره ۴، زمستان ۷۷.
- مظاهری، م. ع. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج- مجله روان‌شناسی ۱۵، سال چهارم، شماره ۳.
- منصور، م. (۱۳۸۲). روان‌شناسی ژنتیک. تهران: انتشارات رشد.
- میرزا حسینی، ح. (۱۳۸۶). تبیین مدل پیش‌بینی ذهنی و روان‌شناختی در بین مبتلایان به فویبای اجتماعی. رساله دکترا روانشناسی. دانشگاه علوم و تحقیقات.

#### منابع انگلیسی

- Adams, G. R. (1998). Objective measure of identity of statues, a manual on theory and test Contraction. Unpubilished manuscript university Guelph.
- Ain worth, M. D.: etal. (1978). patterns of attachment: A psycho gical study of the strange situation. Hillsdale. N,J: Evlboum.
- Bergman, M. M. & Scott, J. (2002). Young adolescents ´well being and health risk behavior: gender and socio-economic differences. Journal of adolescence, 24.
- Blanch flower, D. G & Oswald, A. J. (2004). Well-being over time in %UWMQDQG8 6\$ -RXLQDORI SXEOR( FRQRP IFV ±
- Berzonsky, M. D. (1998). Identity Style: conceptualization and measurement. Journal of Adolescent Research.
- Bowlby, j. (1969). Attachment and loss: vol. I. Attachment. London: The Hogarth Press and institute of psycho Analysis.

- %RZ \ M \$ WFKP HQWQGRW YRO., 6HSDUDRQ \$ Q IHW DQG \$ QI HU / RQGRQ 7 KH + RJ DUK SUHW DQG WKH , QVWXGH RI SV FKR ± Analysis.
- Cassidy, J. (1988).** Child ± P RWKHU DWFKP HQWQGRW VFD IQ VL ± \ HU RCG & KLG' HYHSP HQW ±
- Colin, V. L. (1996).** KXP DQDWFKP HQWI HZ < RUNP HI UZ ± + IQ
- Collins, N. I. & Read, S. J. (1990).** Adult attachment, Working models and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology* 61, 1073-1084.
- Carbonell, A. F. (2004).** Income and well being : an empirical analysis of the comparison income effect. *Journal of public Economics* 88.
- Christopher. AN, Kuo, s.v, Abraham. KM, Noel. L.W, Linz. HE (2004):** Materialism and affective well-being: The role of social support. *Journal of Personality and Social Psychology* 87, 101-111.
- Diener, E. & Lucas, RE. (2000).** Subjective emotional well-being. In *Handbook Of Emotion*, ed. M Lewis, 1 M Havilland. New York: Guilford. 2 nd Ed.
- Diener E, Sapyta, sub E. (1998).** Subjective well-being is essential to well-being . *Psycho 1 . Inq* .9.
- Diener, E. & Tov, W. (2005).** National subjective well-being indices: A cross-national test of the theory of basic human needs. *Journal of Personality and Social Psychology* 89, 101-111.
- Diener, M. L.; Fujita, F. Kim-prieto, c. & Diener, E. (2004).** Culture and subjective well-being. *Journal of Personality and Social Psychology* 87, 130-142.
- Fenny, I. A. & Noller, P.(1990).** attachment Style as a predictor of adult romantic. relationship. *Journal of personality and social psychology* 59, 101-111.
- Hazan, C. & shaver, P. (1993).** Romantic love conceptualized as an attachment: process *journal of personality and social psychology* 52, 511.
- + DJDQ & VKDYHU 3 DWFKP HQW DV DQ RU DQJ DWRQDO framework for research on close relationships. *Psychological inquiry* . 5,7.**
- Keyes, C. L. M. (2002).** The mental health continuum :from languishing to flourishing in life. *Journal of Health and Social Research*, Vol.43, SS
- Kaplan oh, I, Sadock, B. J. (2004).** Synopsi of psychiatry.
- Keyes, C. L. M. (2002).** The mental health continuum :from languishing to flourishing in life. *Journal of Health and Social Research*, Vol.43, SS

- Lobel, T. E. and Winch, G. L. (1988).** Psychosocial development, self concept, and gender. *Journal of Genetic*, 149.
- Lucas, R. E.; CLARK, A. E.; Georgellis, Y. & Diener, E. (2004).** 8 QP SQ P HQW DOMV WH VHW ± SRIQW IRU OIH VMMDFWRQ 3 V\FKRORJ IFDVFIHQFH ±
- Oishi, S.; Diener, E.; lucas, R. E. & such, E. (1999).** Cross-cultural variations in predictors of life satisfaction , perspectives from needs and values. *pers. soc. Psycho1. Bull.* 25.
- Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2001).** On happiness and human potential: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual Review of Psychology*, 52,
- Ryan, R. M. (2001).** On happiness and human potential: A Review of Research on Hedonic and Eudaimonic well being. *Annual review of psychology*.
- Ryff CD, singer 13. (1998).** The contours of positive human health. *Psycho 1. Inq.* 9.
- Ryff CD, Keys. (1995).** Psychological well-being in adualt life. *curr. Dir. Psycho 1. Sci* 4.
- Ryff, & ' + DSSIQH WIVHYH V W I Q J , or I V I W ( [ S C R U D W R Q V R Q the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57,
- Toman, W. (1993).** Family Constellation: Its effects on personality and 6 R F I L O % H K D M R U K H G 1 H Z < R U N 6 S U I Q J H U S X E O M K I Q J
- Wilkin Groos, R. D. (2000).** psychology: the science of mind and E H K D M R U & D P E I L G J H 1 D W R Q D H W Q M R Q F R O N G J H
- Waterman, A. S. (1992).** Identity as an aspect of optimal psychological functioning

